

ایزد تیرگان از کهن تا کنون

اشرف برامکه

کارشناسی ارشد تاریخ ایران قبل از اسلام واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

چکیده

آب در فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی تمام مناطق، مذاهب و ادیان از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. به همین دلیل آیین های متنوع و متفاوت باران خواهی در سراسر ایران که کشوری کم باران می باشد دیده می شود و بسیاری از آنها با اساطیر کهن پیوند دارند جشن تیرگان و آیین باران خواهی از کهن ترین آیین های ایرانی هستند که ریشه در اسطوره ها، باورهای مردمی و نیازهای زیست محیطی ایران زمین دارند؛ که برای تمنای باران در برابر خشم طبیعت به صورت گروهی یا انفرادی اجرا می شده است. این آیین ها که در تقویم ایرانی در اوج فصل گرما، هر ساله در روز سیزدهم تیرماه برگزار می شود، با ریشه در اسطوره ها و تاریخ ایران زمین، نماد ستایش باران، پیروزی راستی بر ناراستی و بزرگداشت آرش کمانگیر است که جان خود را برای حفظ تمامیت ارضی ایران فدا کرد. تیرگان نه تنها یادآور پیوند مردم با طبیعت، بلکه نمادی از همبستگی، فداکاری و هویت ملی ایرانیان است. در این نوشتار سعی شده است که به بررسی توجه ایرانیان به فرهنگ کهن خود از جمله ایزد تیشتر در طی دوران های مختلف پرداخته شود و پیوند عمیق ایرانیان با طبیعت و باور به نیروی دعا، همبستگی اجتماعی و وطن دوستی ایرانیان را ارزیابی نماید.

کلیدواژه ها: تیرگان، ایزد تیشتر، باران خواهی، هویت ملی

مقدمه

هر قدر که زمان می‌گذرد، بیش تر معلوم می‌شود که بخشی از فرهنگ گذشته ملت‌ها تحت عنوان «افسانه‌ها و اسطوره‌ها» جزو مهمی از منابع ارزشمند تاریخ یک سرزمین به شمار می‌آید که از طریق پژوهش در آن‌ها در کنار سایر منابع تاریخی می‌توان به گوشه‌های تاریک و ناشناخته گذشته، مخصوصاً اعصار بسیار کهن و پیش‌تاریخی، آگاهی پیدا کرد. خوشبختانه، با تمام حوادث سهمگین که بر سرزمین و مردم ایران، بنابر موقعیت خاص مکانی آن قرار گرفتن در میان سه قاره کهن از سر گذرانده، بخش قابل توجه و بسیار گران بهایی از این گنجینه و میراث فرهنگی از گزند زمانه و حمله‌ی بیگانگان به خاک ایران مصون مانده است. به عنوان نمونه، افسانه‌ها و اسطوره‌های مربوط به آب و باران موضوعی است که در این مقاله، به طور خلاصه معرفی می‌گردد.

آب به عنوان بن‌مایه آفریش و مظهر پاکی و پاک‌کنندگی است و همچنین به عنوان محافظ چیزهای خوب در مقابل نیروهای اهریمنی دانسته می‌شود. آب از کهن‌الگوها و نمادهای اساطیری مهم تاریخ باستان بشر است. چنانکه حماسه‌ی گیل‌گمش، طوفان نوح، جستجوی اسکندر برای آب حیات و... حول محور آب است؛ و در کتاب مقدس زرتشتیان اوستا در دو بخش مهم به نام آبان پشت و تیریش دربار آب سخن رفته و همچنین در هند اساس آفرینش جهان و خدایان از آب و در آب فرض شده است. وجود ایزد بانوان قدرتمندی چون آناهیتا در ایران و سرسوتی در هند دلیل دیگری بر این تقدس و اهمیت می‌باشد. در فرهنگ و اسطوره‌های ایران باستان، طبیعت و عناصر آن جایگاهی مقدس داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین ایزدان در این حوزه، «تیشتر» است؛ ایزدی که با باران، آب و سرسبزی پیوند دارد. باور به تیشتر از دوران پیشازرتشتی وجود داشته و در متون اوستایی و پهلوی نیز بارها به او اشاره شده است. تیشتر اصل همه‌ی باران‌ها و سرچشمه‌ی تمام چشمه‌های خروشان، اولین ستاره و نماد باروری محسوب می‌شود، چهارمین ماه سال یعنی تیرماه به این ایزد اختصاص داده شده است جشن تیرگان که در روز سیزده تیرماه برگزار می‌شود منسوب به تیشتر می‌باشد. (آموزگار، ۱۳۹۳: ۲۸) آیین‌ها و رسوم مربوط به تیشتر بازتابی از ارزش‌های ایرانیان باستان در خصوص طبیعت، باروری و بقای زمین است.

شناخت ایزد تیشتر

تیشتر (Tishtrya) در اوستا، یکی از یزدان‌های مهم و نیرومند است که نماینده ستاره شعرای یمانی (Sirius) به شمار می‌رود. او ایزد باران‌آور است و در اسطوره‌های ایرانی، مبارزه‌ای با دیو خشکسالی به نام «پوش» دارد. در این نبرد، تیشتر به شکل اسبی سفید درمی‌آید و با اپوش که به صورت اسب سیاهی تجسم یافته، نبرد می‌کند. پیروزی تیشتر سبب باریدن باران و سرسبزی زمین می‌شود.

ایزد تیشتر و دیو اپوش در اوستا و متون پهلوی

تیشتر یشت که تیشتر یشت و تیر یشت نیز نامیده می‌شود، هشتمین یشت اوستا است. این یشت در بزرگداشت و ستایش پر فروغ‌ترین و درخشان‌ترین ستاره آسمان که همانا ستاره «تیشتر» باشد، سروده شده و یکی از دلکش‌ترین بخش‌های اوستاست. این یشت شامل توصیفات از قدرت و ویژگی‌های تیشتر و دعای زرتشتیان برای نزول باران و باروری زمین است. در «تیر یشت» یا «هفت یشت»، او را ایزدی پیکارگر، نیرومند و یاری‌رسان مردم در برابر خشکسالی و قحطی توصیف می‌کنند: اوستا (تیر یشت):

< ائیریوخشو تیشتریه، سپنتو نمانهو،

یئنی اوچنگه نمانهم،

ائیریوخشو اپوشو دروغگو،

اهرو مائینیو دئوو.

ترجمه فارسی: تیشتر زورمند،

مقدس از خاندان ایزدی،

با شتاب از خانه‌اش برخاست،

برای نبرد با اپوش دروغ زن، آن دیو از تبار اهریمن

تیشتر یشت دارای ۱۶ بخش یا کرده و ۶۲ بند است؛ اما بسیاری از این بندها در دوره‌های جدیدتر به متن اصلی افزوده شده‌اند. افزوده‌های احتمالی جدیدتر عبارتند از بندهای ۱ تا ۲۹، ۴۱، ۶۲، ۷۱ تا ۱۲۹، ۱۳۹ تا ۱۴۲، ۱۵۲؛ و نیز افزودگی‌هایی در بندهای ۵۴، ۵۶، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸ موضوع اصلی، نبرد میان تیشتر (ایزد باران و باروری) و اپوش (دیو خشکسالی) است که نبرد یست میان خیر (باران و حیات) با شر (خشکسالی و نابودی). در تیشتر یشت اوستایزد تیشتر در قالب اسب سفید آسمانی ظاهر می‌شود و با اپوش که به صورت اسب سیاه یعنی همان دیوی که مانع باران و عامل خشکسالی است در سه شبانه روز می‌جنگد و سرانجام اپوش که نیرومندتر است پیروزی این نبرد را از آن خود می‌کند؛ و تیشتر به سمت اهورامزدا می‌رود و به حالت ناراحتی به او می‌گوید که شکست او از آن روست که مردم برای او نیایش و قربانی نکرده‌اند. آنگاه اهورامزدا برای او قربانی می‌کند و اهورامزدا نیروی ده اسب و شتر و گاو نر، ده کوه و ده رود را در او می‌دمد. بار دیگر نبردی میان او و اپوش شکل می‌گیرد و سرانجام بوسیله قربانی انجام شده از جانب اهورامزدا پیروز از نبرد بیرون می‌آید؛ و در نهایت آنها می‌توانند بی مانع وارد مزارع و چراگاه‌ها شوند؛ و باد ابرهای باران را از دریای گیله‌ای به این سو و آن سو می‌راند و در نهایت باران بر هفت اقلیم فرو می‌ریزد تیشتر گرز خود را چون آتش بر ابرها می‌کوبد. این آتش شراره می‌کند و همکار دیو اپوش که دیو سپنجروش نام دارد از وحشت خروش برمی‌آورد و هلاک می‌شود؛ و یکبار دیگر باران بیش از پیش با قطراتی به بزرگی سرگاو و سر انسان بر هفت کشور فرو می‌ریزد. تیشتر ده شبانه روز باران فرود می‌آورد و با این باران زهری که از جانوران مودی در زمین باقی مانده است با آب می‌آمیزد و به دریا می‌رود. شوری و تلخی آبهای دریاها از آن است. پس از سه روز باز باد ایزدی برمی‌خیزد و آنها را به انتهای زمین می‌برد و از این آبها سه دریای بزرگ، سی دریای کوچک و دو چشمه - دریا و دو رود پر آب پدید می‌آید در نهایت، با یاری اهورامزدا، بر او پیروز می‌شود و باران را به زمین می‌آورد. (پورداوود، ۱۳۵۶: ۳۳۰) ایزد تیشتر نه تنها اسطوره بلکه فرایند علمی بارش باران را نیز برای ما یادآور می‌شود که بیانگر علم بالای ایرانیان باستان می‌باشد اسب سفید را اگر بخار دریاها در نظر بگیریم به شکل ابرهای سیاه درآمده و ایجاد رعدوبرق و بارش باران می‌کند.

جنگ با اپوش (دیو خشکسالی):

آپوش (در اوستا «آپئوشه») به معنای از بین برنده آبها، نام دیو خشکسالی و دشمن ایزد «تیشتر» است. «آپوش» در اصل عبارت بوده است از ستاره سرخ «دل کژدم» (قلب‌العقرب) در صورت فلکی «کژدم» (عقرب) که در سراسر تابستان‌های گرم ایران در ساعت‌های آغازین و میانه شب دیده می‌شود و در این هنگام بی‌آبی و خشکی رودها از ستاره «تیشتر» خبری نیست. هر چه «تیشتر» در مردادماه از افق شرقی بالاتر می‌آید، به مرور ستاره «قلب‌العقرب» به افق غربی نزدیک‌تر می‌شود تا اینکه در فصل پاییز تیشتر کاملاً بالا آمده است در حالیکه آپوش در افق غربی فرو رفته و از نظر ناپدید شده است؛ و این عبارت است از نبرد تیشتر و آپوش در اساطیر ایرانی و غلبه تیشتر بر آن در آغاز فصل پرآبی و نیز غلبه آپوش بر تیشتر در میانه‌های بهار (امروزه در اواخر بهار) و در آغاز فصل خشکی و گرما.

در متون پهلوی، همچون «بندش» نیز به نقش ایزد تیشتر در تنظیم آبها و بارش باران اشاره شده است. در بندهشن (یکی از متون مهم دینی-اسطوره‌ای زرتشتی) نقش برجسته‌ای دارد. در این متن، تیشتر به عنوان ایزد باران و نگهدارنده آبها شناخته می‌شود و نقشی کلیدی در نبرد با دیو خشکسالی دارد. (آموزگار، ۱۳۹۵: ۲۸)

نقش تیشتر در بندهشن:

طبق نوشته‌های کتاب بندهشن، تیشتر در آغاز خود را به شکل این پیکره‌ها درآورد و باران را ایجاد نمود؛ و هر قطره بارانی که وارد زمین نمود به اندازه تشتی شد و و آب به اندازه‌ی بلند قامتی مردی زمین را فراگرفت؛ و در این هنگام جانوران مودی به سوراخ‌های زمین فرو رفتند و مینوی تمامی بادها را به زمین برد و دریای گیلهانی را به وجود آورد (هینلز، ۱۳۹۷: ۳۶). تیشتر در بندهشن نماد پاکی، زندگی‌بخشی، نظم گیلهانی و مقابله با نیروهای اهریمنی است. او یکی از ایزدان امشاسپندان نیست، اما در رده ایزدان بلندمرتبه و یاری‌رسان اهورامزدا قرار دارد. او عمل زندگی بخش دارد. در آغاز آفرینش گیتی، در حمله اهریمن، نقش پخش آبها و دانه‌ها از طریق آبها در جهان به عهده اوست. او سرور همه ستارگان و حامی سرزمین آریایی است. او فرزند عطا می‌کند و جادوگران را درهم می‌شکند. او نژاد از اپام نپات یا برزایزد دارد؛ و با صفاتی همچون سفید، درخشان، بلند و نوردهنده از دور توصیف شده‌است. (آموزگار، ۱۳۹۵: ۲۸)

پیوند حیوانات شاخ دار ایرانی با ایزد تیشتر:

بزکوهی یا پازن که در گویش بلوچی هنوز هم پازن خوانده میشود به علت اینکه میتواند خود را در مناطق کوهستانی در هنگام کم آبی وفق دهد همواره مورد توجه ایرانیان بوده، و حیوان ملی ایران دانسته شده است. (دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۹۱) در ایران پیش از اسلام شاخ بز را نماد ماه می دانستند، بر مهرها و ظروف ساسانی تقریباً همیشه بز کوهی مراقب درخت و ماه است، در بندهشن پازن آفریده ای برای مقابله با پلیدی ذکر شده است، اپوشه دیو خشکسالی ست که عامل تباه کنندگی زمین است و تیشتر ایزد و ستاره ی باران همیشه در مبارزه با اوست (بلوکباشی، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۳) در مناطق خوزستان و نواحی بختیاری به بزگاله ی ماده تیشتر گفته میشود این اشتراک نام نمیتواند بی دلیل باشد و احتمالاً چون بز کوهی و ایزد تیشتر در نمادشناسی ایرانی با هم در ارتباط هستند، نام ایزد تیشتر را به این حیوان داده اند. (تحقیقات میدانی نگارنده) و همچنین نقطه ی جالب تر نقش زایندگی آب است، ایزد آبها یعنی آناهیتا مادینه ی مقدس است و همواره در بسیاری از ادیان و اساطیر سرچشمه ی باروری و زندگی موجودی مادینه تصور می شده است و احتمالاً که طبق سنگ نگاره های پیدا شده، قربانیانی که برای ترس از خشکسالی به ایزد تیشتر اهدا شده اند، همان بزگاله های مادینه ای باشند که تیشتر نام داشته است. (تحقیقات نگارنده)

پیوند با ستاره شعرای یمانی (Sirius):

تیشتر در آسمان با ستاره شعرای یمانی همانند دانسته می‌شود. این ستاره در تقویم زرتشتی نشانگر آغاز فصل باران و کشاورزی است. در بند ۴۴ تیشتریشت اوستا آمده است: «ما ستاره تیشتر درخشان و باشکوه را نماز می‌کنیم که اهورامزدا او را سرور و نگاهبان همه ستارگان برگزیده چنان‌که زرتشت را برای مردمان» برای مردمان ایران که در سرزمین خشک زندگی می‌کنند ایزد باران را از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا ایزد باران به آن‌ها فراوانی داده و سالی نیک می‌آورد از این روی است که ایرانیان ایزدباران را گرامی می‌دارند و ستاره تیشتر را اسطوره ستاره آریاییان می‌خوانند.

اهمیت نجومی:

تیشتر با ستاره شباهنگ (Sirius) پیوند دارد و در زمان‌های خاصی از سال طلوع این ستاره با آغاز فصل باران در ایران باستان همزمان بوده است. ستاره «تیشتر» نام‌های گوناگونی دارد: «شباهنگ»، «شعرای یمانی» و «تیر» که این نام اخیر به سیاره «عطارد» نیز گفته می‌شود. «تیشتر» پُر نورترین ستاره آسمان است و در صورت فلکی «سگ بزرگ» (کلب اکبر) قرار دارد. امروزه نخستین طلوع بامدادی این ستاره در مردادماه اتفاق می‌افتد؛ اما در زمان سرایش تیر یشت، نخستین طلوع بامدادی این ستاره در حدود اوایل تابستان بوده است که نام ماه «تیر» نیز از همین واقعه گرفته شده است. این ستاره مانند دیگر ستاره‌های آسمان، هر شب مقداری بالاتر می‌آمده است تا اینکه در میانه‌های بهار در افق غربی فرو می‌رفته و از دیده پنهان

می‌شده است. به دلیل اینکه بالا آمدن ستاره «تَشْتَر» با افزایش بارندگی و پایین رفتن این ستاره با کاهش بارندگی توأم بوده است، بین این ستاره و بارندگی‌های فراوان ارتباطی احساس شده است که در سراسر این یشت به این باور اشاره شده است.

ایزدان همکار تیشتر:

آب، نماد اندیشه و خرد است. در ریگ‌ودا نخستین موجودی که پس از ترکیب محرک نخستین و ماده آغازین یعنی آب، پدید آمد، عقل کل بود. در اوپانیشاده‌ها، نطفه و آب، پدیدآورنده نور و بقاست. در واقع آب، مایع شده نور است. نماد آب و آبی، نشانگر توجه به این مایه حیات و زندگی است. ایزد اپام نبات و ایزد بانوی آناهیتا و ایزد تیشتر ایزدانی هستند که با دیو خشکسالی مبارزه می‌کنند و محافظ آبها و دریای فراختر می‌باشند.

آپام نبات یکی از سه خدای بزرگی است که لقب اهوره داشته صفت «اهوره» در اوستا برای دو ایزد بزرگ دیگر یعنی مهر و اورمزد نیز آمده است و از ایزدان دیگر تنها اپام نبات چنین ستوده شده است و این گویای پایه ی بلند این ایزد می‌باشد. در متون پهلوی به پیروی از اوستا، آپام نبات (ایزد برج) را بیشتر به عنوان ایزدی که در ژرفای دریاهای اساطیری به سر می‌برد، تصور کرده و در ضمن او را ایزد نگهبان "خورنه" نیز می‌دانند. عبارت ذیل نیز گویای این معناست: بارگاه ایزد برج همان جایی است که اردوی سورا و آب‌های زلال می‌باشند و وظیفه‌ی اصلی وی رساندن آب‌های دریای فراختر به سراسر گیتی است. وظیفه‌ی دیگر وی، اینکه جانوران را هنگام گذشتن از دریا، از گزند امواج حفظ کرده و همیشه پاسبان خورنه باشد». (بندهشن، بهار: ۱۱۶-۱۱۷۵) درباره‌ی "خورنه" یا فرّ ایرانیان، اسطوره‌ای شگفت انگیز وجود دارد که: «هر سه سال یک بار، گروه‌های بی‌شماری از سرزمین‌های غیر ایرانی بر فراز کوه البرز گرد می‌آیند تا به سرزمین‌های ایرانی هجوم آورده، مردم را آزار داده و تباهی به بار آورند. آنگاه ایزد "برج"، از ژرفای آب‌های رنگ بر می‌خیزد. سیمرغ بر فراز بلندترین قله‌ی کوه‌های سر به فلک کشیده همانند مرغی که دانه بر می‌چیند، آنهایی را که از سرزمین‌های غیر ایرانی، هجوم آورده‌اند از روی زمین بر می‌اندازد (بندهشن: ۱۰۲-۱۵۳) این داستان، با اندیشه‌ی آپام نبات به عنوان نگهبان سرزمین ایرانیان و جلوگیری از نیروهای پلید و تجاوزکار، همخوانی دارد. در ادبیات سنتی زرتشتیان، آپام نبات، آفریننده‌ی بشریت، او و برقرار کننده نظم جهانی، شریک و هم رتبه‌ی میترا توانا دانسته شده است. وی همانند میترا که اهورای آتش است، به عنوان اهورای آب شناخته شده و اندیشه‌ی ودایی نسبت به وارونا قابل مقایسه با آپام نبات زرتشتی می‌باشد. نکات اصلی مربوط به وارونا و آپام نبات یکی است، به طوری که اندیشه دو آسورای "میترا - وارونا" و دو اهورای "میترا - آپام نبات" به گونه‌ای چشمگیر یکی است. هر دو ایزد هم رتبه‌اند، اما هر کدام با یکی از عنصرهای حیاتی و ضروری (آتش و آب) مربوط می‌باشند. از این مطالب روشن می‌شود که آپام نبات، روزگاری ایزدی بسیار با اهمیت و با عظمت بوده که به عللی ناشناخته در هاله‌ای از ابهام پوشیده شده است.

ایزد بانوی آناهیتا

آناهید (اردوی سورا آناهیتا) ایزدبانوی آب و باران و باروری در ایران باستان است. اردوی به معنی رطوبت که در آغاز نام رودخانه مقدسی بوده است و سورا به معنی نیرومند و همچنین آناهیتا پاکی و بی‌آلایشی معنی می‌شود. آناهیتا در آبان یشت اوستا زنی جوان، خوش اندام، زیبا چهره با بازوانی سپید و اندامی برازنده، کمربند تنگ بر میان بسته، به جواهر آراسته، با طوقی زرین بر گردن، گوشواری چهارگوش در گوش، تاجی با صد ستاره هشت گوش بر سر با کفشهایی درخشان در پا، با بالا پوشی زرین و پرچین به تصویر درآمده است. (پورداود، ۱۶۷: ۱۳۵۶-۱۷۸) نام این ایزد نخستین بار به صورت آناهیتا در کتیبه‌های هخامنشی از دوره اردشیر دوم دیده می‌شود؛ و به دلیل الهه عشق و باروری وی ایزد محبوبی است و همیشه با علاقه و احترام ژرف پیروان بسیاری را به خود جلب کرده است. قدمت ستایش آناهید به دوره‌های بسیار پیشین و حتی به زمان پیش از زرتشت می‌رسد. اردوی، در آغاز، نام رودخانه مقدسی بوده است و به پیروی از اصل شناخته شده‌ای در اساتیر، نام روخانه، شخصیت ایزدی پیدا کرده است. او را همتای ایزدبانوی سرس وتی در آیین ودایی می‌دانند. سوره یا سورا بخش دیگر نام اردویسور آناهیتا است. او نخست بر رودخانه‌ی اردوی سروری داشت، کم‌کم بر همه‌ی آب‌ها سروری می‌یابد و بنا بر بندهشن،

پدر و مادر آن‌ها می‌شود و از ایام نپات پیشی می‌گیرد و شخصیت ایام نپات در شخصیت او تحلیل می‌رود. (همان). آناهیتا در ایران به عنوان استوره‌ای مقدس شناخته می‌شود. اردوی سور آناهیتا ایزدبانوی همه آب‌های روی زمین و سرچشمه اقیانوس کیهانی است. او بر گردونه‌ای سوار است که چهار اسب آن را می‌کشند (باد، باران، ابر و تگرگ) و سرچشمه زندگی و پاک‌کننده تخمه هر نر و زهدان هر ماده است (نشانه پاک و مقدس بودن) و به دلیل ارتباطی که با زندگی دارد جنگجویان در نبرد، زنده ماندن را از او طلب می‌کنند. آناهید همواره به صورت یک دختر جوان و برومند و خوش‌اندام نمایان می‌شود و در زمان هخامنشیان از منزلتی بسیار برخوردار بوده است و به همراه مهر و اهورامزدا، مثلثی را تشکیل می‌داده که اساس دین هخامنشیان بوده است.

این دو ایزد به همراه ایزد تیشتر که با باران ارتباط دارد، اصل همه‌ی آب‌ها و سرچشمه‌ی باران و باروری را تشکیل می‌دهند. در تیشتریشست اوستا، نبرد این ایزد با اپوش که دیو خشکسالی و خشکی است روایت شده است. این دیو، باران را از باریدن بازمی‌دارد. تیشتر به یاری مینوی خرد و با همکاری ایزد باد، آب را به بالا می‌راند و به یاری ایزد برز ایام نپات و فروهر (روح پاسبان آدمی) و به یاری ایزد هوم و بهمن امشاسپند به نبرد این دیو خشکسالی می‌رود. (تفضلی: ۱۳۷۸، ص ۵۱-۵۲)

اپوش به معنای ازمیان برنده یا پوشاننده‌ی آب، دشمن تیشتر است و کارش بازداشتن او از فرا بردن آب‌های باران‌زا به آسمان است.

تیشتر، ایزد و ستاره باران‌زای آریایی‌هاست، ستاره‌ای که در اوستا فرنام «زایومند» دارد که نشانگر اهمیت این ستاره برای نژادگان آریایی است. مردمان آریین تیشتر را ستاره آریایی می‌خوانند. در باورمندی آریایی تیشتر زهدان زنان پارسا را برای زایش فرزندان نیک و تخم‌های مردان آریایی هموار می‌کند. به دلیل خشکی ایران و برای اینکه ایزد باران دیو خشکسالی را از میان می‌برد و خوشی و روزی فراوان به سرزمین آریایی می‌آورد برای ایرانی که خشک و بی‌آب است ستاره رایومند باران‌زا بزرگ‌ترین داده اهورایی است؛ از این روی این ستاره برای ایرانیان گرامی است.

آیین‌ها و رسوم باستانی مرتبط با تیشتر

۱. **جشن تیرگان:** در ایران باستان سی روز هر ماه به نام‌های متعلق به سی فرشته‌ی نگهبان و ماه‌ها نیز بنابر همان فرشتگان نامگذاری می‌شد و جشن هر ماه در روزی بود که نامش با نام آن ماه یکی بود. جشن تیرگان روز سیزدهم ماه تیر (روز تیر) برگزار می‌شد. یکی از آیین‌هایی که با تیشتر در ارتباط می‌باشد، جشن تیرگان است. این جشن به افتخار پیروزی تیشتر بر اپوش برگزار می‌شد مردم در این روز برای طلب باران دعا می‌کردند و مراسمی شاد همراه با آب‌پاشی، فال کوزه و خوردن غذاهای مخصوص انجام می‌دادند. (روح الامینی، ۱۳۷۶: ۹۹) گردیزی در زین الاخبار جشن تیرگان را چنین توصیف می‌کند: تیرگان سیزدهم ماه تیر موافق ماه است؛ و این آن روز بود که آرش تیر انداخت. اندر آن وقت که میان منوچهر و افراسیاب صلح افتاد و منوچهر را گفت: هر جا که تیر تو برسد از آن تو باشد. پس آرش تیر بینداخت از کوه رویان و آن تیر اندر کوهی افتاد میان فرغانه و تخارستان و آن تیر روز دیگر بدین کوه رسید و مغان دیگر روز جشن کنند و گویند دو دیگر اینجا رسید. و اندر تیرگان پارسایان غسل کنند و سفالین‌ها و آتشدان‌ها بشکنند؛ و چنین گویند که مردمان اندر این روز از حصار افراسیاب برستند؛ و هر کسی به سر کار خویش شدند؛ و هم اندر این ایام گندم با میوه بپزند و بخورند و گویند: اندر آن وقت همه گندم پختند و خوردند که آرد نتوانستند کرد؛ زیرا که همه در حصار بودند. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۱۸)

۲. آب‌ریزان

رسم پاشیدن آب بر یکدیگر در روز تیرگان نماد باران و پاکی است. این آیین که در سراسر ایران مرسوم بوده، به نوعی بازآفرینی بارش باران به دست تیشتر تلقی می‌شده است. ابوریحان در این زمینه می‌نویسد: در این روز مردم به یکدیگر آب می‌پاشند، برخی گفته‌اند علت این است که در کشور ایران دیرگاهی باران نبارید؛ و ناگهان سخت ببارید و مردم به این باران تبرک جستند و از این آب به یکدیگر پاشیدند و این کار همین طور در ایران نرسوم بماند. (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۳۱)

۳. **مراسم تیر و جشن و فال کوزه:** این جشن از روز تیر (سیزدهم ماه) تا روز باد (بیست و دوم ماه) بند الوانی به دور دست یا به جایی از لباس می بندند و در روز باد در محلی بلند آن را به باد می دهند دختران و پسران جوان در شب تیرگان، نیت می کردند و اشیایی کوچک را در کوزه ای پر از آب می انداختند. فردی اشعار و نیت ها را در روز جشن از کوزه بیرون می آورد و برای هر شیء، شعری می خواند. این مراسم با اعتقاد به نقش تیشتر در برکت و ازدواج پیوند داشته است. (روح الامینی، ۱۳۷۶: ۱۱۴)

۴. **جشن نیلوفر:** در مورد جشن نیلوفر دو سند در متون قدیمی وجود دارد، یکی از آن ها سخن ابوریحان بیرونی در "اثار الباقیه" است که در آن به جشن نیلوفر اشاره می کند و می گوید در "خردادروز" از ششم تیرماه در ایران باستان جشن نیلوفر برگزار می شده است. میدانیم که نیلوفر نماد آنهیتا است (بیرونی، همان، ۲۷۰). در سندی دیگر از دوره ساسانی که در موزه هنر «کلیولند» در ایالت اوهایو در آمریکا نگهداری می شود، آنهیتا در حالی نقش شده است که شاخه ای گل نیلوفر را در دست دارد. به نظر می رسد که ستایش ویژگی در کنار آب، شادمانی و دست افشانی گروهی دختران در کنار سرآب های پر از نیلوفر یا سرچشمه ها و رودها و آب افشاندن، از آیین های جشن نیلوفر بوده است.

۵. **چمچه گلین:** این مراسم از جمله مراسم فراگیر و رایج در آیین نمایشی باران خواهی در نقاط مختلف ایران و حتی دیگر کشورهاست (از جمله ترکیه، بلغارستان، یوگسلاوی، سوریه، ترکمنستان، تاجیکستان، پاکستان. مراسم با کار بچه هایی شروع می شود که یکی از آنها «چمچه» یا قاشق بزرگ چوبی را در دست دارد. بچه ها لباس عروسی را که از قبل آماده کرده اند به تن چمچه می پوشانند و آن را چمچه گلین (عروس باران) می نامند. یکی از بچه ها چمچه گلین را به دست می گیرد و همراه بچه های دیگر، در حالی که ترانه عروس چمچه و تمنای باران را می خوانند، برای گرفتن هدیه به در خانه ها در (شهر یا روستا) می روند. بر در هر خانه، رئیس یا بزرگ خانه سطل یا ظرفی آب روی عروس چمچه می ریزد و مقداری حبوبات و مواد خوراکی یا پول به بچه ها می دهد. در پایان، بچه ها با موادی که گردآوری کرده اند آتش می زنند و آن را میان خود و نیازمندان تقسیم می کنند. این مراسم از جمله آیین هایی است که برای طلب باران در بیشتر روستاهای مرکزی و بویژه منطقه سربند و شازند و روستاهای ترک زبان اجرا می شده است و هنوز در برخی روستاها اجرا می شود. نظیر این مراسم در سایر نقاط ایران در حوزه فرهنگی گیلان با عنوان «کترگکشه» در بوشهر با عنوان «گلین» و «عروس زشت» برگزار می شود. به این طریق که عروسی را (که مظهر زیبایی و نشانه باروری است) به صورت زشتی جلوه گر می سازند و با تكدی از اجتماع طبیعت برای چنین مظهری طلب نعمت می کنند. (روح الامینی، ۱۳۷۶: ۱۱۰)

۶. **مراسم عروسی قنات،** عروسی قنات موضوع نر و ماده بودن آب ها و نیز قنات که ماندگاری است از مراسم دوران ستایش آنهیتا و تیشتر، ما را به عروسی قنات رهنمود می کند که امروزه در بسیاری از نقاط ایران از جمله روستاهای اراک، تفرش، ملایر، تویسرکان، محلات، خمین، گلپایگان، دلیجان، چهارمحال، اصفهان، دامغان، شاهرود، یزد و شهر کرد متداول است. در گذشته حوزه اجرای رسم عروسی در تمامی نقاط ایران گسترده بوده است؛ در حال حاضر در ایران این آیین که ویژه قنات است. احتمال دارد که در دوران باستان عروسی چشمه، رودخانه و ... نیز وجود داشته است. بررسی های انجام شده پیرامون این موضوع نشان می دهد که در مناطق کم باران و تقریباً کم آب و نیز در حاشیه کویر ایران اجرا می شود و هرگاه در اثر نیامدن باران آب قنات کم می شده، این مراسم اجرا می شده است آنها معتقدند که هنگام خشک سالی ناشی از کم آبی یا خشک شدن قنات، باید زنی را به عقد قنات درآورند. مراسم ازدواج قنات بدین صورت است که چند تن از معتمدان و ریش سفیدان به اتفاق ملای ده، به خانه زن مورد نظر می روند و ملا خطبه عقد را بی سروصدا و دور از چشم دیگران، به نیابت از سوی قنات جاری می کند. صبح روز بعد از جاری شدن عقد، زن قنات خودش به تنهایی و مخفیانه و بدون اطلاع اهالی، سر مظهر قنات می رود، عریان می شود و در آب آن می نشیند. این عمل هفته ای یا ماهی یک بار تکرار می شود. به زن قنات در هنگام عقد یک خروار گندم می دهند و همچنین هر سال در ماه های محرم و رمضان، همه اهالی به اندازه بضاعت و توانایی مالی خود، به او چیزی می دهند و زمان برداشت نیز هرکس بسته به توانش از ۵ تا ۱۰ من گندم به زن قنات می دهد؛ درواقع این زن باید حتماً بیوه بدون نان آور باشد تا بدین طریق، نیاز مالی وی تأمین شود. (صفی نژاد، ۱۳۵۹: ۲۵۲) در مراسمی چون

«جشن آب نو» (تعویض آب حوضها و آب انبارها به هنگام سال نو) «جشن تیرگان»، بردن آب به سر سفره عقد و نوروز، سپردن سبزه به آب در سیزده نوروز، عروسی باران و یا چهل کچلون، کوسن گلین، اعتقاد به جاندار بودن آب در باورداشت های مردم، به چشم می خورد که همواره نماد برکت و زایش و فزونی نعمت است.

۷. **تیرماه سیزده شو "از کهن ترین جشن مازندرانی ها:** جشن تیرگان که در زبان محلی مازندرانی ها به «تیرماه سیزده شو» معروف است، همان جشن معروف ایرانیان باستان است که در تاریخ باستانی تبری مصادف با دوازدهم آبان برگزار می شود. جشن تیرگان که در زبان محلی مازندرانی ها به «تیرماه سیزده شو» معروف است، همان جشن معروف ایرانیان باستان است که در تاریخ باستانی تبری مصادف با دوازدهم آبان برگزار می شود. درباره تاریخچه جشن تیرگان نیز روایات مختلفی وجود دارد؛ برخی پیروزی کاوه بر ضحاک و جشن مهرگان را مبنای جشن می دانند، جشن تیرماه سیزده در تاریخ پیش از اسلام در ایران وجود داشته است. در این مراسم با برپایی آیین های ویژه و آماده کردن خوراکی های سیزده گانه جشن گرفته می شود. تمامی خانواده ها در این شب کنار هم جمع می شوند و تا پاسی از شب به خوردن تنقلات و گوش دادن به قصه و افسانه های بزرگ ترها سپری می شود، در گذشته در غروب روز سیزده، جوانان هم با در دست داشتن چند ترکه بلند با کیسه ای که به انتهای آن بسته شده است، همراه کودکان به در خانه ها رفته و با سر و صدا و کوبیدن چوب به در خانه ها و لال بازی و شعر «لال بیمو، لال بیمو، پارسال و پیرار بیمو، چل بزن دیگه بزن، لال اینه لالک اینه، سالو ماه ارزون بوه، لال مار رسوا نو، لال اینه لالک اینه، پار بورده امسال انه» را سر داده و از صاحب خانه تقاضای هدیه می کنند و صاحب خانه نیز اغلب به آنها پول، میوه و شیرینی می دهد. در این شب افزون بر خوراک هایی که مناسب میهمانی است بنا بر رسم، خوراکی های ویژه ای نیز تدارک دیده می شود و برخی نیز برای این جشن خوراکی هایی همچون "کاجی" نوعی حلوا، شیرینی "پتی بزه نون" و "کماج" تهیه می کنند و افراد خانواده با جمع شدن در کنار یکدیگر، گردو، سنجد، شیرینی، میوه و چای می خورند. شگون چوب خوردن از لال نیز از دیگر برنامه های مخصوص این جشن است، به گونه ای که در این شب شخصی با لباس مبدل، دستمالی به سر بسته و صورتش را سیاه می کند و مانند لال ها با کسی حرف نمی زند. این شخص که او را لال، لال مار و لال شیش می گویند با همراهی چند نفر وارد خانه های محل می شود و با چوب و ترکه ای که در دست دارد، ضربه ای به ساکنان خانه می زند. مازندرانی ها، آمدن لال را به خانه و کاشانه خود به فال نیک می گیرند و باور دارند که «لال» هر کس را بزند تا سال دیگر مریض نمی شود؛ و تیرماه با عناوینی از جمله "لال شو"، "شش زنه شو"، "لال زنه شو" و "تیر ماه اعید" نیز مرسوم است. (روح الامینی، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

۸. **مراسم گرگیشو یا گرگیان:** نمونه ی دیگر از مراسم تیرگان که امروزه با تقویم هجری قمری درآمیخته است رسم گرگیشو و یا گلی گشو از آیین های باران خواهی بوده که در جای جای ایران به روش های گوناگون برگزار می شده است. در زنجان و بعضی نقاط دیگر کودکان با ساختن عروس باران یا عروسک باران که آن را چمچمه عروس می گویند برگزار می شود. گرگیشو که در برخی مناطق عرب زبان به گرگیان تبدیل شده در استان خوزستان و بوشهر و استان هرمزگان به ان بن مایه ی مذهبی داده و برای حضور کودکان در این سنت ها، روایات مختلفی ذکر شده که معروف ترین آن مناسبت میلاد امام حسن است که گفته می شود کودکان در زمان پیامبر اسلام با اشعاری برای طلب شادباش به در خانه ی پیامبر رفته اند. در این آیین کودکان پسر و دختر پس از افطار کیسه هایی به دست می گیرند و با برهم کوبیدن سنگ های کوچکی که در دست دارند با خواندن شعرهای ویژه ای به درختان ی همسایه ها برای جمع آوری شیرینی و عیدی می روند. شعرهایی که در این مراسم خوانده می شود به نام رمضانی معروف است و معمولاً توسط سرگروه خوانده می شود. قدمت این مراسم به ایران باستان و آیین باران خواهی می رسد که پس از ورود اسلام تغییر ماهیت و نام داده است. (تحقیقات میدانی نگارنده)

رابطه ی ایزد تیشتر با آرش کمانگیر:

رابطه ی اسطوره ی آرش کمانگیر با ایزد تیشتر را می توان در زمینه ی نمادین واسطوره ای دفاع از مرزهای ایران و نبرد با نیروهای اهریمنی بررسی کرد. در بخش چهارم یشتها که در ستایش تیشتر است آمده است: می ستاییم ستاره درخشان و

شکوهمند تَشْتَر را؛ آن تندتاز به سوی دریای فراخکرت را، به سان آن تیر در هوا پَران، تیری که آرش تیرانداز- آن بهترین تیرانداز ایرانی- از کوه «اَئیرِیو خُشوئَه» به سوی کوه «خُوئوئُوت» پرتاب کرد.

از این عبارت به درستی بر می‌آید که دریای «فراخکرت» همان دریای مازندران است چرا که ستاره «تَشْتَر» نیز به سوی غرب که از نگاه سرایندگان این یشت جایگاه دریای مازندران است، حرکت می‌کند. این بند و بندهای بعدی کهن‌ترین جای اشاره به حماسه «آرش کمانگیر» است. جای دو کوه نامبرده شده، دانسته نشده است. (پورداوود، ۱۳۵۶:۳۳۱)

هرچند در منابع کهن، پیوند مستقیمی بین آرش و یشتر به صورت داستانی ذکر نشده، اما تحلیل‌های اسطوره‌شناختی نشان می‌دهند که هر دو شخصیت، نماینده نیروهای روشنایی، نظم و پیروزی در برابر تاریکی و آشوب هستند. در ادامه به برخی پیوندهای نمادین آن‌ها از جمله حفظ مرزهای ایران اشاره می‌شود:

۱. آرش: نماد فداکاری و جان فشانی برای حفظ سرزمین ایران است. تیر او که از دل البرز رها می‌شود، مرز ایران و توران را تعیین می‌کند.
۲. یشتر: ایزد باران و یکی از مهم‌ترین ایزدان در برابر خشکسالی و نیروهای اهریمنی است. در اوستا، او با دیو «اپوش» (خشکسالی) می‌جنگد تا زمین را بارور و زنده نگه دارد؛ این مبارزه نوعی دفاع از هستی و مرز است.
۳. شباهت در کاربرد تیر: یشتر در وندیداد به صورت تیری درخشان در آسمان توصیف شده که از سوی اهوره مزدا پرتاب می‌شود تا دشمن را شکست دهد. این ویژگی با تیر آرش که نماد روشنایی، امید و نجات است، شباهت دارد.
۴. پیوند با کوه البرز: هر دو شخصیت به گونه‌ای با کوه البرز در ارتباطند: آرش از فراز البرز تیر را پرتاب می‌کند. یشتر نیز در اسطوره‌های مربوط به حرکت آب و باران از مناطق کوهستانی و آسمان به زمین فرود می‌آید و البرز محل نبردهای کیهانی است.
۵. ایزد پشتیبان راستکاری: یشتر نماد پیروزی نیروهای نیکی در گاه‌شماری زرتشتی است. آرش نیز نماد انسانی است که با از خودگذشتگی، جانب راستی و میهن را می‌گیرد.

مری بویس اعتقاد دارد که تیر ایزدی بوده است ایرانی و غیرزردشتی که در غرب ایران، میان ایرانیان، پرستش می‌شده (بویس، تاریخ...، اوایل کار، ۹۶) و خدای برکت و باروری بوده است. این ایزد شباهت بسیاری به نبو خدای بابلی دارد؛ چرا که نشان نبو در آسمان عطارد بوده و یکی از القاب او شخیتو می‌باشد.

در آثار الباقیه، آیین‌های باران‌خواهی در دوران باستان به‌ویژه در قالب روایت‌هایی اسطوره‌ای یا نیمه‌تاریخی درباره شاهان ایران باستان، مانند طهمورث، جمشید، فریدون یا شاهان ساسانی، نقل شده‌اند. این آیین‌ها معمولاً با مفاهیم دینی، قربانی، نیایش و گاه نمایش‌های آیینی همراه بوده‌اند

ارتباط با دین و مشروعیت شاهی

بیرونی در روایت خود از شاهان باستان ایران، باران‌خواهی را بخشی از قدرت فره ایزدی شاهان می‌داند. اگر خشکسالی رخ می‌داد، نشانه‌ای از ضعف پادشاه یا نارضایتی ایزدان تلقی می‌شد؛ بنابراین، شاه یا موبدان باید با نیایش و آیین‌هایی باران را طلب می‌کردند.

براساس نمونه‌هایی که از برگزاری مراسم باران‌خواهی در آثار تاریخی و ادبی ثبت شده است، بیرونی از جمشید یا فریدون سخن می‌گوید، اشاره می‌کند که در زمان خشکسالی، پادشاه به کوه یا دشت می‌رفت، دست به دعا برمی‌داشت و گاه مردم نیز با او همراه می‌شدند تا باران نازل شود. شاید این نشانه نیز قابل توجه باشد که پشت سر مسافر نیز آب پاشیدن از مساله‌ای حکایت می‌کند تا که راه روشن باشد و مسافر تندرست به مقصد برسد و به روشنی بازگردد

همچنین در برخی نقل‌ها، موبدان با پوشیدن لباس خاص، دعا و سرودهایی می‌خواندند که شبیه به نیایش‌های اوستایی (مانند یسناها) بودند. در آثارالباقیه ی بیرونی آمده است که در زمان پیروز، نیای انوشیروان، هفت سال باران نبارید و مردم به خشک‌سالی افتادند. سرانجام پیروز به آتشکده رفت و در آن جانماز خواند و سجده کرد و از خدا خواست که بلای خشک‌سالی را برطرف کند. پس از بیرون شدن پیروز از آتشکده و رسیدن به صحرایی که امروز روستای کامفیروز در آنجاست، مردم نیز به فرمان پیروز به بیرون شهر رفته و به‌صورت دسته‌جمعی به نیایش پرداخته و از خداوند باران تمنا می‌کنند ابری از آسمان برخاست و چندان بارید که مانند آن تا آن روز دیده نشده بود و آب همه جا را فرا گرفت و به‌این‌ترتیب، دعای پیروز برآورده شد. (بیرونی، ۱۳۱۸:۲۲۸)

به گفته فردوسی: همی باسماں اندرآمد خروش / ز بس مویه و درد و زاری و جوش // ز کوه و بیابان و از دشت و غار / زیزدان همی خواستی.

گزارشی نیز درباره عمل باران‌خواهی سلطان جلال‌الدین خوارزم‌شاه با توسل به «سنگ باران» یا «حجرِ مطر» آمده است. پس از این مراسم چند شبانه‌روز باران می‌آید، به‌گونه‌ای که مردم از کثرت بارش ملول می‌شوند (نسوی، ۲۶۸: ۱۳۴۴). سعدی نیز در باب چهارم بوستان، اشاره‌ای به رفتن مردم به بیرون شهر برای انجام دعای باران کرده است (همان: ۳۰۴-۳۰۵).

ذکر آیین قربانی

در برخی روایت‌ها، شاهان باستان به قربانی کردن حیوانات برای ایزدان باران‌آور (مانند «تیشتر» در آیین زرتشتی) می‌پرداختند. البته آیین قربانی از آیین‌های زرتشتی نمی‌باشد چون زرتشت بشدت با قربانی کردن حیوانات مخالفت کرده است. از این رو آیین قربانی احتمالاً از آیین‌های پیشا زرتشتی است که توسط موبدان زرتشتی به دین زرتشت راه پیدا کرده است.

تیرگان و آیین باران‌خواهی در دوران‌های مختلف:

دوران اساطیری:

در جشن تیرگان شست و شو کردن در آب روان از رسوم کهن ایرانیان می‌باشد چنانکه ابوریحان می‌نویسد: چون کیخسرو از جنگ با افراسیاب برگشت در روز تیرگان به ناحیه ی ساوه عبور نمود و به کوهی که به ساوه مشرف بود بالا رفت و تنها خود او، بدون هیچ یک از لشکریان به چشمه ای وارد شد و فرشته ای را دید، در دم مدهوش شد و این کار با رسیدن پسر او بیژن مصادف شد و قدری از آب چشمه بر روی کیخسرو ریخت و رسم اغتسال و شست و شوی به این آب و دیگر چشمه ها پایدار ماند، از راه تبرک، اهل آمل در این روز به دریای خزر می‌روند و همه روز را آب بازی می‌کنند. (بیرونی: ۱۳۶۴:۳۳۶)

و همچنین گردیزی نیز جشن تیرگان و رسوم آن را که در زمان خود او نیز هنوز مرسوم بوده به دوران کیخسرو مربوط می‌داند. (گردیزی: ۱۳۶۳:۵۱۹)

دوران هخامنشی و اشکانی

هرچند شواهد مستقیمی از تیشتر در کتیبه‌های هخامنشی نیست، اما اهمیت ایزدان طبیعی در این دوره حفظ شده‌است نبود متون و شواهد نوشتاری از داخل امپراتوری هخامنشی سبب می‌شود که گمانه‌زنی آن‌هم درباره چنین موضوعات پیچیده‌ای، بسیار سخت باشد، امپراتوری هخامنشی یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های طول تاریخ بشری بوده و به‌واسطه همین وسعت نیز شامل اقوام و فرهنگ‌ها و ملل مختلفی بود. این امپراتوری از کانون‌های مختلف و متعدد فرهنگی تشکیل می‌شده که می‌توان از میان آنها به کانون‌هایی مانند ایران مرکزی، مصر، بابل، فلسطین، هند، یونان و آناتولی اشاره کرد. هر یک از این کانون‌ها در درون خود روابط بسیاری با خرده‌کانون‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها داشته‌اند. به‌واسطه ساختاری به نام امپراتوری بزرگ هخامنشی این

فرهنگ‌ها که پیش از این به واحد سیاسی مجزایی متعلق بودند، تحت لوای یک حکومت گردهم آمده و بنابراین امکان ارتباط بین آنها فراهم آمده بود. امپراتوری هخامنشی به واسطه سیستم ساتراپی و ایجاد راه‌هایی متعدد و وسیع تمام ملیت‌های پیشین را تحت سایه یک ملیت، بازتعریف می‌کند. پس راه‌های بسیاری را برای ارتباط بین این ملیت‌ها به وجود می‌آورد و به این وسیله آنها را از حالت منفرد خارج کرده و شکل یک کل را به آن می‌بخشد. اینچنین است که میشود با پژوهش در متون کشورهای دیگر تا حدودی پی به فرهنگ و خرده فرهنگ های ایران زمین برد؛ و دیگر اینکه تاریخ ایران چون جنبه شفاهی داشته تاریخ در بطن اسطوره ادغام شده اختلاط تاریخ و اسطوره به معنای ترکیب و تلفیق روایات تاریخی با داستان های اساطیری است که در فرهنگ‌های مختلف به چشم می‌خورد. در واقع، اساطیر اغلب به عنوان یک تفسیر و تفسیر روایات تاریخی یا رویدادهای مهم عمل می‌کنند و به این ترتیب، بین تاریخ و اسطوره یک ارتباط تنگاتنگ وجود دارد پس می‌توان با توجه به اساطیر ایران زمین راهی برای یافتن فرهنگ و رسوم مردم آن در دوران های تاریخی شد. در آثار مورخین یونانی آمده است که اردشیر دوم هخامنشی در دوران سلطنت خود، جایگاه آناهیتا، الهه آب و باروری را در دین زرتشتی تقویت کرد. او به طور خاص مجسمه‌های آناهیتا را در مکان‌های مختلفی مانند پرسپولیس، بلخ، ساردیس، دمشق، شوش، اکباتان و بابل نصب کرد. این اقدام نشان از توجه خاص او به آناهیتا و احتمالاً تلاش برای ادغام او با الهه‌های دیگر، مانند ایزد تیشتر، داشت. اردشیر سوم هم در نبشته‌ای از تخت جمشید می‌گوید: «باشد که اهورامزدا و یغ میترا (مهر) مرا، سرزمینم را و هرآنچه من ساخته‌ام را بپایاد. (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۱۹۷)

در دوران اشکانیان نیز آب، نزد ایرانیان مقدس بوده و ایزد مظهر آب، ناهید بوده است. به نظر می‌رسد که تثلیث اهورامزدا و مهر و ناهید، در زمان پارتیان، مورد توجه دین عمومی و شاید هم دین رسمی بوده باشد. تیرداد اول، در شهر آرشک، در یک معبد ناهید تاجگذاری کرد. در هگمتانه (همدان)، مَقر شاهان، معبدی از ناهید بوده و معبد کنگاور، مخصوص ناهید بوده است و نیز در دورانی که بلاش اول اشکانی، ارمنستان را از دست نرون قیصر روم گرفت؛ و ایران و روم به تفاهم رسیدند که تیرداد پسر بلاش بعنوان شاه ارمنستان باقی بماند ولی تاج شاهی ارمنستان را از دست قیصر بگیرد معروف است که تیرداد برای پرهیز از اهانت به آب، تن به سفر زمینی داده است؛ و سه سال پس از این توافق به همراه سه هزار سوار پارتی در طی سفری طولانی به روم رفته و تاج شاهی را از قیصر روم گرفته است. در دوره اشکانی، با گسترش تاثیر فرهنگ‌های هلنی، تیشتر احتمالاً با خدایانی مانند آپولون یا حتی ژئوس باران‌زا شباهت‌هایی داشته است. (دیاکونف ۱۳۷۸: ۱۳۴)

دوران ساسانی

در دوره ساسانی، با رسمی شدن آیین زرتشت، آیین های ایرانی جایگاه بزرگی یافتند. اردشیر بابکان، بنیان‌گذار سلسله ساسانی، ارتباط نزدیکی با آناهیتا، ایزدانوی آب و باروری، داشت. او معابدی را به نام آناهیتا بنا کرد و در سنگ‌نگاره‌های خود، آناهیتا را پس از اهورامزدا و پیش از میترا ذکر می‌کرد، مانند آنچه در ستون‌های شوش و همدان از ستایش آب بیان شده است و اردشیر از آناهیتا می‌خواهد او را در نبرد با اردوان چهارم پیروز گرداند تا اردشیر سرهای دشمنان خود را به معبد اردشیر خوره بفرستد و این نشان از این است که مردمان همچنان به ویژگی جنگاوری آناهیتا و ایزد همراه باران ساز او تیشتر، باور و اعتماد داشتند؛ که این نشان‌دهنده جایگاه ویژه‌ای است که ایزدان آریایی در اعتقادات ساسانیان داشته اند؛ و نیز داستان پیروز ساسانی که در آثار الباقیه نقل شده و در بخش قبلی این مقاله از آن یاد کردیم که پیروز برای دعای باران به آتشکده می‌رود و ایزد تیشتر را به یاری می‌طلبد. (بیرونی، ۱۳۱۸: ۲۲۸) نقش تیشتر در تقویم زرتشتی با ماه تیر (چهارمین ماه) برجسته شد و تیرگان (۱۳ تیر) به افتخار او برگزار می‌شد.

دوران اسلامی و پس از آن:

با فروپاشی امپراتوری ساسانی که ایران در آن با نظام سیاسی و دینی واحد شکل گرفته بود و واژه ی ایرانی با بار معنایی سرزمینی و قومی با هویت ایرانی شهری در جهان انسجام یافته بود با حمله ی اعراب مسلمان دچار نوعی گسست تاریخی شد و با شکست ساسانیان گذشته ی پرافتخار ایرانیان که در پیشرفت تمدن و فرهنگ، تواناترین ملت ها بودند و دنیای آن دوره ی

تاریخی را تحت شعاع نفوذ و قدرت خود قرار داده بودند از بین رفت و مولفه های هویتی ایرانیان را دچار دستخوش تغییر کرد. حاکمان عرب، زبان عربی را بعنوان زبان رسمی و ادبی و دینی در ایران رواج دادند. بسیاری از ادیبان ایرانی برای نزدیکی به آن حاکمان به سرعت به یادگیری زبان عربی پرداختند و حتی در حضور حاکمان عرب نام خود را تغییر داده و نام عربی اختیار کردند؛ و به این طریق، آنها نیز هموار کننده ی راه و تامین اهداف آنها گشتند. اسلام به تدریج توانست برآیین زرتشتی تقریباً تسلط کامل پیدا کند و دین اکثریت ایرانیان شود دو قرن زمان برد تا ایرانیان بر شوکی که بر آنها وارد شده بود اندکی به خود آیند و به مرور مردم ایران توانستند رسم و رسوم و بعضی از سنت های خود را با جلوه های اسلامی دادن به آنها حفظ کنند بدینگونه فرهنگ اسلامی در آیین های ایرانی نفوذ کردند بطوری که در اواخر سده ی چهارم هجری برگزاری آیین باستانی مردگیران در اصفهان تاثیر جدی از اعراب گرفته بود چنانکه برای این جشن بر کاغذ می نگاشتند ((بسم الله الرحمن الرحيم ...به نام یزدان و به نام جم و فریدون. بسم الله بآدم وحسبی الله وحده و کفی (بیرونی، ۱۳۸۹: ۳۵۵) بسیاری از مورخان و حماسه سرایان با انگیزه ی حفظ روایات ملی و جلوگیری از تکفیر آنها می کوشیدند این روایات را با خط سیری تاریخ مانند به قصص انبیای سامی ارتباط دهند. همچون گرویدن تهمورث به نوح، گرشاسب به ابراهیم و سام و منوچهر به موسی.

آمیزش اساطیر ایرانی با سامی یک سری معایب و محاسن داشت از محاسن آن این بود که سنن ایرانی و ملی تا حدودی حفظ شدند و از معایب آن، این که امروز تفکیک بسیاری از اساطیر ایرانی و سامی مشکل است. جشن های بی شمار باستان، مانند مهرگان و تیرگان و آبانگان و خردادگان به دلیل بی توجهی فرمانروایان و مخالفت های دینی به فراموشی سپرده شدند و پرستش ایزدان زرتشتی به تدریج کمرنگ شد، اما بسیاری از رسم و رسوم هایی که برای آن ایزدان انجام میدادند همچون رسم و رسوم باران خواهی که برای ایزد تیشتر انجام میدادند با رنگ و بوی اسلامی دادن به آنها باقی ماند و تا امروز. در برخی مناطق، آیین های مربوط به آب خواهی هنوز ریشه در باورهای کهن و ایزد تیشتر دارند.

آیین باران خواهی در حکومت های نیمه مستقل ایرانی پس از اسلام:

در زمان سامانیان و آل بویه، نوعی احیای فرهنگ ایران باستان صورت گرفت و برخی جشن ها دوباره رسمیت یافتند. نویسندگانی مانند ابوریحان بیرونی در آثار خود از این جشن ها یاد کرده اند.

«در روز سیزدهم از ماه تیر، جشن تیرگان برگزار می شود و آن را روز آرش دانند...» (بیرونی، ۱۳۸۹: ۳۲۵) پس تیرگان مانند بسیاری از دوره های تاریخی ایران، بخشی از مناسک مذهبی و اجتماعی مردم برای طلب باران در زمان خشکسالی بوده است. در زمان سامانیان (قرون ۳ تا ۵ هجری قمری / ۹ تا ۱۱ میلادی) که حکومتی ایرانی نژاد با حمایت از فرهنگ و زبان فارسی در قلمروهای خراسان، فرارود و بخش هایی از ایران مرکزی حکومت می کرد، آیین های باران خواهی با رنگ و بوی اسلامی، همچنان ادامه داشت. برخی ویژگی های آیین باران خواهی در این دوران به شرح زیر است:

۱. **برگزاری نماز استسقاء (نماز باران):** پس از پذیرش اسلام، آیین نماز باران (نماز استسقاء) در میان مسلمانان رایج شد. در زمان سامانیان که حکومتی اسلامی بودند، این نماز توسط مردم و گاه توسط خود امیران یا قضات برگزار می شد.
۲. **اجتماع عمومی و دعا:** مردم در فضای باز، مانند دشت ها یا خارج از شهر، جمع می شدند و با دعا و تضرع به درگاه خداوند، طلب باران می کردند.
۳. **ترکیب با سنت های پیشااسلامی:** با اینکه آیین اسلامی نماز باران رواج یافته بود، اما در بسیاری از مناطق آیین های بومی نیز با آن آمیخته شده بودند، مانند استفاده از نمادهای آب، خاک، یا رقص و آوازهایی سنتی که یادگار دوران زرتشتی یا کهن تر بودند.
۴. **نقش کودکان و نمادهای خاص:** در برخی مناطق، کودکان را با لباس هایی خاص به کوچه ها می فرستادند تا اشعاری در طلب باران بخوانند. این رسم احتمالاً از سنت های زرتشتی یا حتی کهن تر گرفته شده بود.
۵. **اشعار و نیایش ها به زبان فارسی و عربی:** با توجه به رونق زبان فارسی در دوره سامانیان، برخی از دعاها، نیایش ها یا اشعار باران خواهی به فارسی سروده می شدند که ریشه در ادبیات غنایی و دینی آن دوره دارد.

در دوران آل بویه (قرن ۴ و ۵ هجری قمری) که یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران پس از اسلام بود، آیین‌ها و مراسمی با ریشه‌های ایرانی و اسلامی شکل می‌گرفتند یا تداوم می‌یافتند. یکی از این آیین‌ها، "باران‌خواهی" یا استسقاء بود؛ مراسمی که در دوران خشکسالی برای طلب باران از خدا برگزار می‌شد. این آیین، هم در فرهنگ اسلامی و هم در آیین‌های پیشااسلامی ایران سابقه داشته است.

پادشاهان آل بویه که شیعه‌مذهب بودند، نسبت به سنت‌های ایرانی توجه ویژه داشتند، آیین باران‌خواهی گاهی شکلی ترکیبی از مراسم اسلامی و سنت‌های باستانی به خود می‌گرفت. برخی ویژگی‌های آن عبارت‌اند از:

برگزاری نماز استسقاء: علما و مردم در فضای باز جمع می‌شدند و با حالتی متواضعانه نماز باران می‌خواندند.

روزه گرفتن پیش از مراسم: گاهی مردم چند روز پیش از مراسم روزه می‌گرفتند تا آمادگی روحی و خضوع بیشتری داشته باشند.

رفتارهای نمادین: برخی مردم با پوشیدن لباس‌های مندرس، همراه با کودکان، حیوانات و خواندن دعا به صحرا می‌رفتند. جایگاه کودکان و حیوانات: حضور کودکان و چهارپایان نشانه بی‌گناهی و پاکی بود و گفته می‌شد که دعای آنان سریع‌تر مستجاب می‌شود. (ابوریحان بیرونی، ۱۳۶۴: ۳۳۶-۳۳۸)

جشن‌های ایرانی در دوران آل زیار:

در دوران آل بویه مردی به نام مرداویج در اصفهان به حکومت رسید و سلسله آل زیار را تاسیس کرد. مرداویج علاقه‌مند به زنده کردن گذشته ایرانیان بود، اما عباسیان که در آن زمان خلافت را بر عهده داشتند، اصلاً علاقه نداشتند که ایرانیان به گذشته خود بازگردند.

مرداویج همواره جشن‌های سده، مهرگان، آذرگان، سپندارمذگان، تیرگان ... را برگزار می‌کرد، او چنان به گذشته ایران علاقه‌مند بود که با کارهای خود موجب شد تا متوکل، خلیفه عباسی در بغداد لباس ایرانی سفارش دهد، بپوشد و ایرانیزه شود. مرداویج مدام اصرار داشت که آثار ایرانی را در کنار آثار اسلامی قرار دهد و نشان دهد با کنار هم قرار گرفتن این دو هیچ‌کدام ضربه نمی‌خورد. مرداویج همواره با خلفای عباسی اصطکاک داشت، چراکه دستور داد طاق و ایوان کسری مرمت شود و همین کار خطر را به بیخ گوش بنی‌عباس رساند. طرفداران خلفای عباسی، فعالیت‌های مرداویج را مغایر با ارزش‌های اسلامی می‌دانستند و اهل سنت نیز در مورد او تبلیغات منفی می‌کردند. م. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۴/۳۸۳-۳۷۷). مرداویج قصرهای بسیار زیبایی در اطراف زاینده‌رود بنا کرد که در زمان صفویه خراب شد و امروز فقط آثار سنگی آن در پل خواجه مشخص است

تیرگان و رسم آب پاشان در زمان صفویه:

آیین باران‌خواهی در دوره صفویه یکی از آیین‌های مذهبی و اجتماعی مهم برای مقابله با خشکسالی و کمبود باران بود. منابع مختلفی از این آیین یاد کرده‌اند، از جمله سفرنامه‌های اروپایی‌هایی که در آن زمان به ایران سفر کرده‌اند. یکی از این منابع، سفرنامه پیتر دلاواله، جهانگرد ایتالیایی قرن هفدهم میلادی است که در دوران سلطنت شاه عباس اول صفوی به ایران سفر کرده بود. در سفرنامه دلاواله، به آیین‌های مذهبی ایرانیان اشاره‌هایی شده، از جمله توصیف‌هایی درباره مراسم باران‌خواهی. گرچه او اطلاعات دقیقی در حد گزارش‌های تاریخی مفصل از این آیین ارائه نمی‌دهد، اما مشاهداتش بخشی از فضای فرهنگی و دینی ایران در آن دوره را بازتاب می‌دهد. پیتر دلاواله به مشارکت شاه عباس صفوی و مردم در مراسم دعا برای باران اشاره می‌کند. این مراسم معمولاً با حضور گسترده مردم در فضای باز، به‌ویژه در زمین‌های کشاورزی یا اطراف شهر برگزار می‌شد. (دلاواله: ۱۳۴۷، ص ۳۶-۳۷)

تحول آیین‌ها در دوران معاصر:

دوران قاجار

در این دوران، جشن‌های زرتشتی در میان اقلیت زرتشتی ایران و نیز در انجمن‌های فرهنگی نیمه‌رسمی برگزار می‌شد. اروپاییانی که به ایران سفر کرده‌اند، مانند «ادوارد براون» و «لرد کرزن» در سفرنامه‌های خود به برگزاری جشن‌ها از جمله برگزاری جشن تیرگان گزارش‌هایی داده‌اند مانند:

آب‌پاشی برای شادباش و طلب باران

بستن نخ‌های رنگی (نخ تیر و باد) نمادی از پیوند انسان با طبیعت

نیایش ایزد تیشتر در آتشکده‌ها و مکان‌های مقدس زرتشتیان

فال کوزه فال‌گیری گروهی با اشعار و کوزه

خوردن آش تیرگان غذای سنتی

مجموعه مقالات جشن‌نامه زرتشتیان ایران (انتشارات انجمن زرتشتیان تهران)، جلد اول، ص ۱۱۲-۱۲۰

جشن‌های ایرانی در دوران پهلوی

در دوره پهلوی، با رویکرد ناسیونالیستی، برخی جشن‌های باستانی مانند نوروز، مهرگان و تیرگان مورد توجه قرار گرفت. رضاشاه و محمدرضا شاه در احیای جشن‌های باستانی بسیار کوشیدند و محمدرضا شاه با احیای جشن‌های ۲۵۰۰ ساله سهم بسزایی در نگه داشتن فرهنگ ایرانی در ایران و دیگر نقاط جهان داشت. در یزد، کرمان و حتی خارج از ایران (مانند تورنتو، لس‌آنجلس و بمبئی)،

و نیز امروزه که ایرانیان علاقه‌ی خاصی به به هویت تاریخی خود بدست آورده‌اند، ایران دوستان همراه با زرتشتیان جشن تیرگان را با مراسم‌هایی مانند آب‌پاشی، فال کوزه، پختن غذاهای خاص و نیایش به تیشتر برگزار می‌کنند.

نتیجه‌گیری:

در جهان امروز کشورهای پیشرفته که گذشته‌ی غنی ندارند برای حفظ مقاصدشان مدام در حال اسطوره‌سازی هستند. در صورتیکه کشور ایران با آن همه شکوه و تمدن باستانی از این قافله‌ی جهانی، جامانده است. پس با، احیای جشن‌هایی چون تیرگان و اسطوره‌هایی چون تیشتر و آناهیتا و دیگر ایزدان کهن، می‌توان نسل‌های آینده را به ریشه‌های فرهنگی‌شان پیوند داد و زمینه‌ساز تقویت اتحاد ملی و غرور ایرانی شد و به تقویت هویت ملی برای مبارزه با گروه‌های تجزیه طلب، کمک کرد. پایداری و ماندگاری این آیین‌ها در طول تاریخ، نشان از غنای فرهنگی و هویت ایرانی دارد که با وجود چالش‌های تاریخی، توانسته است عناصر نمادین خود را حفظ کند. امروزه، احیای این آیین‌ها می‌تواند بستری برای توسعه فرهنگی و استفاده‌های اقتصادی همچون گردشگری و جذب علاقه‌مندان به تاریخ، اسطوره و آیین‌های مردمانی باشد که ریشه‌ی فرهنگی یکسانی با هم داشته‌اند و نیز، معرفی آن‌ها در قالب جشنواره‌ها، تولیدات هنری و برنامه‌های آموزشی، فرصتی اقتصادی برای صنایع فرهنگی و گردشگری فراهم آورد، همچنین استفاده آگاهانه از تیرگان و آیین باران‌خواهی به عنوان میراث ناملموس فرهنگی، می‌تواند نقشی مؤثر در دیپلماسی فرهنگی، توسعه پایدار روستاها و انتقال ارزش‌های فرهنگی به نسل‌های آینده ایفا کند.

منابع

۱. آموزگار، ژاله (۱۳۹۵). تاریخ اساطیری ایران. سمت.
۲. پورداوود، ابراهیم (۱۳۵۶) یشت ها، انجمن زرتشتیان بمبئی)
۳. بهار، مهرداد (بی تا) بندهشن، انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران، تهران
۴. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران، پیش از اسلام، تهران: انتشارات/میرکبیر
۵. سفرنامه ی پیترو دو لاوله، ترجمه ی شجاع الدین شفا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۸
۶. ابراهیم پورداوود، ادبیات مزدیسنا، تهران، ۱۳۴۷.
۷. آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز، محمود روح الامینی، نشر آگاه.
۸. تاریخ اساطیر ایران، جان هیلنز، ترجمه: ژاله آموزگار، نشر چشمه
۹. زبان فرهنگ اسطوره، ژاله آموزگار، معین
۱۰. مروج الذهب، تالیف علی بن حسین مسعودی، قم، انتشارات دارالهجره، ۱۴۰۹
۱۱. آثارالباقیه از ابوریحان بیرونی، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۳.
۱۲. بیرونی، ابوریحان، التفهیم، به کوشش جلال الدین همایی، تهران، ۱۳۱۸
۱۳. دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۷۸ شمسی
۱۴. روح الامینی، محمود، آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز، تهران، نشر آگاه (۱۳۷۶)
۱۵. صفی نژاد، جواد، نظامهای آبیاری سنتی در ایران، تهران، ۱۳۵۹ ش؛
۱۶. زین الاخبار، تالیف ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی، به تصحیح عبدالحی حبیبی، نشر دنیای کتاب، ۱۳۶۳
۱۷. محمد بلعمی، تاریخ، به کوشش محمدتقی بهار و محمد پروین گنابادی، تهران، ۱۳۵۳ ش.
۱۸. بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت، اوایل کار، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، ۱۳۷۴.
۱۹. تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام به کوشش ژاله آموزگار، تهران: انتشارات سخن.
۲۰. (نسوی، شهاب الدین محمد، سیرت جلال الدین مینکبرنی، تصحیح مینوی، ۱۳۴۴، تهران: نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب)